



ایران و جبهه مقاومت باید چگونه به ترور اسماعیل هنیه واکنش نشان دهند

# بازسازی بازدارندگی

چرا می‌گوییم آمریکا مجوز ترورهای جدید را به رژیم صهیونیستی داد؟



به عبارتی باید معادله بازدارندگی، بازسازی شود. پس از عملیات «وعده صادق»، ایران توانست قدرت بازدارندگی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کند. صهیونیست‌ها نیز نتوانستند پاسخ معادلی به عملیات «وعده صادق» بدهند. از همین رو در ماه‌های اخیر، حتماً همه فرماندهان نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن بودند راهی برای تغییر موازنه قدرت میان تل آویو و تهران بیابند. از این رو، یکی از اهداف عملیات ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران، تلاش برای ترمیم وجهه بازدارندگی رژیم تل آویو در برابر جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اما این ترور، اهداف دیگری نیز در پی داشته است. چند ساعت قبل از ترور هنیه، او در مجلس شورای اسلامی در حلقه نمایندگان و مقامات ایران قرار گرفته بود. همه دنیا تصاویر در آغوش کشیدن او توسط مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران را دیدند. این تصاویر نمادین، پاسخی به اعتراض و حیثیت رئیس‌جمهور جدید در کشور آمریکا و تشویق مداوم این جنایتکار توسط نمایندگان کنگره بود. از همین رو، ترور اسماعیل هنیه می‌تواند نتیجه خشم نتانیاهو از مراسم روز سه‌شنبه در مجلس شورای اسلامی باشد. البته قطعاً یکی از اهداف این ترور، ضربه به اعتبار و حیثیت رئیس‌جمهور جدید ایران است. رژیم صهیونیستی یک روز پس از تحلیف پزشکیان، بی‌سابقه‌ترین عملیات ترور خود در یک دهه اخیر را انجام داد. قطعاً یکی از اهداف این ترور، منغل کردن پزشکیان در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی است.

یکی دیگر از نکاتی که درباره این ترور باید به آن اشاره کرد، نقش آمریکا در این ترور است. اگرچه آنتونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن گفته است آنها از این عملیات ترور بی‌اطلاع بوده‌اند اما تحلیل‌گران زیادی معتقدند نتانیاهو در سفر اخیر خود به آمریکا توانسته است مجوز این عملیات ترور در تهران را از مقامات کاخ سفید بگیرد. بنابراین ردبای آمریکا در این ترور نیز مشاهده می‌شود کما اینکه ۱۰ ماه جنایت رژیم صهیونیستی در غزه، همه با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، سیاسی

اتتلاف آمریکا و انگلیس برای مقابله با این اقدام یمن نیز با شکست مفتضحانه‌ای همراه شد. پهباد رادارگریز یمنی‌ها که اخیراً به قلب تل آویو اصابت کرد نیز یک هراس جمعی بزرگ را بین اشغالگران سرزمین‌های اشغالی ایجاد کرد. هراسی که می‌گوید «یمنی‌ها هر وقت بخوانند می‌آیند و کسی نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد». ورود یمن به معادلات نبرد با دشمن صهیونیستی این پیام مهم را به همه مردم مسلمان منطقه رساند که اگر ظرفیت‌های جهان اسلام تجمیع شود؛ رژیم صهیونیستی و حامیان آن توانایی مقابله با این ظرفیت را نخواهند داشت. همان‌گونه که حملات حزب‌الله عراق به مراکز صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی نیز با واکنش جدی و قابل توجهی از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا مواجه شده است. روزنامه هارآتص نیز چندی پیش همین واقعیت را نوشت. این روزنامه درباره مقابله رژیم اشغالگر با یمنی‌ها نوشت: «گزینه‌های تل آویو در برابر نیروهای مسلح یمن و انصارالله صفر است».

بنابراین جبهه مقاومت در دفاع از سرزمین‌ها و آرمان‌های خود از شر و خطر رژیم صهیونیستی، یک شبکه هوشمند و هماهنگ را به منصه ظهور رسانده است که توانسته پیام مهم شکست‌پذیری و شکستی بودن رژیم اشغالگر قدس را برای همه مسلمانان به تصویر بکشد.

۳- ترور اسماعیل هنیه در تهران باز هم نشان داد رژیم صهیونیستی راهی جز ترور ندارد. آنها یک روز قبل، در ضاحیه بیروت، طی یک حمله تروریستی، «فواد شکر» از فرماندهان حزب‌الله را به شهادت رساندند و کمی بعد از ترور تاکید کردند واکنش آنها به ماجرای مجدل شمس، همین ترور بوده است و برنامه دیگری ندارند. در حالی که قبل از این ترور از اعزاز تانک‌ها و نفربرهای زرهی خود برای ورود به خاک لبنان خبر داده بودند. صهیونیست‌ها در میدان جنگ در مقابل گروه حماس قافیه را باخته‌اند اما تلاش می‌کنند در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی، با ترور رهبران و فرماندهان مقاومت، اعتبار از دست رفته خود را بازیابی کنند. این ترورها اما باید پاسخ داده شود.

پیام ظهور قدرت بزرگ حزب‌الله در شمال سرزمین‌های اشغالی ایجاد کرده است. حزب‌الله ۱۰ ماه است بخش بزرگی از انرژی ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی را در شمول درگیر کرده است. این روزها حزب‌الله پهبادهای پیشرفته و رادارگریز خود را در آسمان سرزمین‌های اشغالی به پرواز درمی‌آورد. از موشک‌های برکان تل الماس، تنها بخش بسیار کوچکی از توانمندی موشکی حزب‌الله را به سران تل آویو یادآوری می‌کند. در مقابل نیز رژیم اشغالگر قدس که همیشه عادت به تجاوز و ورود به خاک لبنان داشت، تنها و تنها رو به ترور آورده است. کشتن زنان، مردان و کودکان بی‌گناه در لبنان، حاکی از ضعف رژیم صهیونیستی در مقابله و بازگرداندن موازنه به قبل از توفان الاقصی است. در ۱۹۸۲ میلادی ارتش صهیونیستی به خاطر حضور سازمان آزادی‌بخش فلسطین در خاک لبنان، رسماً خاک این کشور را اشغال کردا حالا اما همه گروه‌های مقاومت فلسطینی در لبنان دفتر و تشکیلات دارند و اسرائیل در مواجهه با آنها صرفاً رو به ترور آورده است. در جنگ تموز، ارتش تل آویو به بهانه اسارت ۲ سرباز صهیونیست توسط حزب‌الله، جنگی تمام‌عیار علیه لبنان به راه انداخت و وارد جنوب این کشور نیز شد اما حالا ۱۰ ماه است حزب‌الله انواع تجهیزات دفاعی خود را بر سر اشغالگران می‌ریزد و طرف مقابل در بدترین شرایط نیز حاضر به ورود به خاک لبنان نیست و صرفاً روی اشراف اطلاعاتی و عملیاتی خود برای ترور رهبران و فرماندهان مقاومت تمرکز کرده است. بنابراین در جبهه لبنان، تصویر اضمحلال و شکست‌پذیری اسرائیل نیز کاملاً ایجاد شده است. یمن نیز جبهه جذاب مقاومت برای اثبات متزلزل بودن بنیان رژیم اشغالگر قدس است. ۱۰ ماه است رژیم صهیونیستی در مقابل یمن درمانده شده است. یمنی‌ها نیز همواره مراکز مهمی در سرزمین‌های اشغالی را مورد هدف قرار داده‌اند. از موشک‌های بالستیک تا پهبادهای رادارگریز خود را در سرزمین‌های اشغالی آزمایش و قلق‌گیری کرده‌اند. یمن قهرمان به تنهایی بندر ایلات در جنوب سرزمین‌های اشغالی را تعطیل کرده است و

۱- رژیم صهیونیستی در جنگ مستقیم با ایران و کل جبهه مقاومت است. پادگان غرب در غرب آسیا، به مدرن‌ترین تجهیزات و سلاح‌های روز دنیا مجهز است، بنابراین آنها در جنگ با مقاومت از این سلاح‌ها استفاده خواهند کرد. جنگ برای نابودی چنین رژیمی که مهم‌ترین حمایت‌ها و پوشش‌های سیاسی و حقوقی را در دنیا دارد، کار آسانی نیست و چه بسا کار بسیار دشواری هم هست، لذا در کنار ذکاوت و هنر میدان نبرد، باید یک دیپلماسی هوشمندانه و زیرکانه را نیز دنبال کرد. همزمان با میدان و دیپلماسی، باید در حوزه اطلاعاتی و امنیتی نیز پنجه در پنجه رژیم اشغالگر کشید؛ رژیمی که سرویس امنیتی‌اش مورد حمایت سرویس‌های امنیتی مهم‌ترین کشورهای غربی قرار دارد. در کنار این اضلاع سه‌گانه، باید در میدان ادراک‌سازی و رسانه نیز یک مقابله ذهنی و جنگ ادراکی تمام‌قد را به صهیونیست‌ها به پیش برد. صهیونیست‌ها در این حوزه نیز از حمایت‌ها و پوشش‌های رسانه‌های بزرگ و گسترده دنیا برخوردارند، بنابراین جنگ با رژیم صهیونیستی، جنگ با یک قدرت دست‌ساز اما بشدت مجهز است. جبهه مقاومت در نبرد با رژیمی است که همه دستاوردهای نظامی و تکنولوژیکی غرب در یک سده اخیر را در اختیار دارد. پس ما دست کم در حوزه سخت‌افزاری، در جنگ دشواری به سر می‌بریم، بویژه که هدف اصلی این جنگ، نابودی اشغالگر و برچیدن رژیم غیرانسانی است. آنچه اما عزم جبهه مقاومت برای غلبه بر این حریف مجهز را جزم و نسبت به تحقق آن امیدوار کرده، حقانیت مقاومت و بی‌ریشه بودن اشغالگر است. وقتی گفته می‌شود اسرائیل خانه عنکبوت است، در واقع سست بودن بنیان‌های رژیم صهیونیستی و جعلی بودن آن یادآوری می‌شود. جبهه مقاومت سال‌هاست استراتژی خود در مقابله با رژیم اشغالگر قدس را بر تصویرسازی از همین سست بودن بنیان‌های این رژیم قرار داده است. ۲- عملیات ۷ اکتبر موثرترین و قدرتمندترین تصویر از سست بودن بنیان‌های رژیم صهیونیستی در ۸۰ سال گذشته را به نمایش گذاشت. پس از آن، عملیات «وعده صادق» ایران نیز به مردم مسلمان منطقه این اعتماد به نفس را داد که اسرائیل سست‌تر از خانه عنکبوت است. در میدان نیز همین واقعیت نمودار شد. ۱۰ ماه از حمله دیوانه‌وار و وحشی‌گری بی‌سابقه در غزه گذشته است. ارتش صهیونیستی با حمایت مستقیم آمریکا بی‌سابقه‌ترین جنایات را در غزه انجام داده است. در غزه هیچ جای امنی وجود ندارد. منازل مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، کلیساها، آمبولانس‌ها و… مطلقاً هیچ کدام از مسمب‌ها و موشک‌های ارتش اشغالگر صهیونیست در امان نبوده و نیستند. دهها هزار زن، مرد و کودک بی‌گناه فلسطینی در غزه به شهادت رسیده‌اند اما حماس همچنان دارد ویدئوهای به هلاکت رساندن نظامیان صهیونیست در محله‌های غزه را منتشر می‌کند. حماس، این گروه پارتیزانی که از مردان، جوانان و حتی نوجوانان غزه تشکیل شده است، همچنان در مقابل این قوی‌ترین ارتش منطقه غرب آسیا ایستاده است. این تصویر شکست‌پذیری اسرائیل است که در مقابل دیدگان همه فرزندان فلسطین قرار گرفته است. در عملیات «وعده صادق» نیز مردم منطقه، از مردم ایران گرفته تا مردم عراق و اردن و فلسطین شاهد روشن شدن آسمان سرزمین‌های اشغالی توسط موشک‌ها و پهبادهای ایرانی بودند. ایران تنها در چند ساعت آسمان سرزمین‌های اشغالی را آزاد کرد تا مردمان مسلمان منطقه به این فکر فرو روند که آزادسازی زمین‌های اشغالی نیز امری ممکن و هدفی در دسترس است. حزب‌الله لبنان اما پارزتیکی نمونه برای بررسی وضعیت متزلزل رژیم صهیونیستی در برابر مقاومت است. مرور تاریخ جنگ‌های اسرائیل علیه لبنان، از ۱۹۴۸ که ارتش اسرائیلی براحتی وارد جنوب لبنان شد تا ۴ سال بعد یعنی ۱۹۸۲ که ارتش متجاوز به سرعت تا بیروت پیش رفت، تا همین جنگ ۳۳ روزه، پر از عبرت‌ها و مصادیق فراوانی است که نشان می‌دهد درگیری‌های مرزی حزب‌الله با رژیم اشغالگر قدس پس از عملیات توفان الاقصی، معادله جدیدی با

## دیپلماسی فعال در کنار پاسخ قاطع

۱- روابط دوجانبه؛ در این سطح باید به دنبال بازگرداندن روابط به ریل مناسبی با بازگشایی سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها، تشدید رفت و آمدهای دیپلماتیک، توسعه روابط اقتصادی و تقویت بُعد گردشگری باشیم.

۲- تقویت روابط منطقه‌ای؛ باید با تقویت روابط در سطح دوجانبه فضای مساعدتری برای همکاری و همفکری در سطح منطقه ایجاد شود. حل سیاسی بحران‌های غرب آسیا از جمله در سوریه و یمن ضرورت داشت یک منطقه قوی برای مقابله با چالش‌های نوپدید اصلی است که می‌تواند مورد توافق سایر بازیگران قرار گیرد.

۳- نهادسازی در منطقه؛ از یک نشست مشترک تا شکل‌گیری جمع گفت‌وگو و در نهایت تبدیل شدن به یک سازمان منطقه‌ای که بتواند مسائل و معضلات منطقه را در یک سطح بالاتر مورد‌گفت‌وگو قرار دهد و ضمن راه‌حل‌بخشی به موضوعات بتواند ضمانت اجرایی هم ایجاد کند.

۴- تکوین امنیت دسته‌جمعی با اتخاذ تصمیمات منطقه‌ای؛ باید یک عزم عمومی برای دفع تهدیداتی نظیر بی‌ثباتی و ناامنی، رشد تروریسم، تمایل انتاف غرب برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در غرب آسیا و… شکل بگیرد تا این منطقه به جوازنگاه تروریست‌ها تبدیل نشود.

گسترده‌ای یافت. خاورمیانه به دلیل افزایش بی‌ثباتی، بحران، تحرک بالای گروه‌های تروریستی، حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری دولت‌های ضعیف اکنون در وضعیت آشوب‌زده قرار دارد و چنین وضعیت و روندی سبب‌ساز افزایش تهدیدهای امنیتی در محیط پیرامونی ایران شده است. در این قالب، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده از طریق سازوکارهای ترکیبی ضریب بازدارندگی خود را افزایش دهد.

■ الزامات سیاست خارجی دولت چهاردهم

جمهوری اسلامی ایران اکنون بیشتر از هر زمانی نیازمند تداوم گفت‌وگو و همکاری صادقانه و سازنده برای نیل به درک مشترک از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ملل منطقه برای ارتقای همکاری‌ها بین یکدیگر و همزمان شناخت چالش‌ها و موانع چنین هدفی است. مشترکات ما با کشورهای منطقه بی‌تردید فراوان است و می‌توان ادعا کرد وزن و قوت مشترکات‌مان بیشتر از نقطه‌های افتراق واقعی، ساختگی و تحمیل‌شده از بیرون است و بر این باوریم که امروز از مرحله گفت‌وگوهای ایرانی - عربی عبور کرده و به گفت‌وگوهای منطقه‌ای وارد شده‌ایم و فراتر از آن، امروز در مرحله همکاری‌های منطقه‌ای قرار داریم؛ پروژه‌ای که ضروری است دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم در ۴ سطح دنبال کند:

انباشته شدن معضلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در منطقه صرفاً زمینه‌ساز انفجارهای بیشتر و بزرگ‌تر در آینده خواهد بود و با حرکات نظم جهانی به سمت چندقطبی شدن، زمینه برای مداخله بیشتر قطب‌های مختلف قدرت در غرب آسیا و تبدیل این منطقه به عرصه بازی‌های ژئوپلیتیکی جهانی فراهم‌تر خواهد شد و مداخله بیشتر نتیجه‌ای جز خسران برای ملت‌های منطقه به دنبال نخواهد داشت.

■ بازدارندگی تهدید از منطقه

بازدارندگی یکی از سازوکارهای راهبردی - تاکتیکی دولت‌ها برای کاهش تهدید و افزایش ضریب امنیت کشور در برابر اقدامات تهاجمی دیگر دولت‌هاست. ایران از جمله برای ورود به سمت چندقطبی شدن، در معرض تهدید از سوی محیط پیرامونی خود قرار دارد از این رو دولت‌های مختلف تلاش کرده‌اند با افزایش قدرت دفاعی و گسترش محیط امنیتی و افزایش ضریب بازدارندگی به واسطه ابزارهایی همچون نفوذ سیاسی - امنیتی، دیپلماسی دفاعی و افزایش توان و ظرفیت ضربه نخست و ضربه دوم، فرآیندها و ابزارهای بازدارندگی خود را بازتولید کنند.

طی سال‌های اخیر به دلیل وضعیت ویژه خاورمیانه به عنوان محیط امنیتی ایران، شکل‌دهی به سازوکارهای بازدارندگی از سوی جمهوری اسلامی ایران اهمیت

غربی خود را مجاب به همراهی کرد.

به نظر می‌رسد تحولات ماه‌های اخیر در منطقه غرب آسیا ۲ روند متعارض را نمایان کرده است. روند اول که با توافق ایران و عربستان به نوعی آغاز شد؛ روندی که با محوریت شرق و بین بازیگران غیرغربی شکل گرفته و می‌توانست و البته هنوز هم می‌تواند منطقه را به سوی صلح، ثبات و توسعه بیشتر سوق دهد اما روند دوم با تحولات پس از توفان الاقصی بویژه پس از حملات وحشیانه رژیم اسرائیل به غزه شروع شد که می‌تواند منطقه را به سمت جنگ و بی‌ثباتی بیشتر سوق دهد. اکنون منطقه در میان این ۲ روند متعارض قرار دارد.

تجربه چند دهه مبارزه و مذاکره درباره مساله فلسطین نشان می‌دهد ملت فلسطین قابل نادیده گرفتن نیست و نیازمند راه‌حلی پایدار است که از اجماع فلسطینی بیرون آمده باشد. با توجه به نقش محوری این مساله در شکل‌دهی به تحولات امنیتی غرب آسیا داشته، بدون حل آن نمی‌توان این منطقه را به سمت ثبات و توسعه بیشتر سوق داد. مدیریت منازعه نیز چیزی بیش از محدودسازی و کنترل خسارت نیست و این چیزی نیست که به تقویت روند صلح، ثبات و توسعه که لازمه حل مشکلات انباشته شده اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی است، کمک کند. طبیعی است که

**عابد اکبری:** حمله به بیروت و ساعاتی پس از آن انجام حمله تروریستی در تهران و به شهادت رساندن اسماعیل هنیه در قلمرو سرزمینی ایران که یک «فعل تجاوزکارانه/act of aggression» و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ایران به شمار می‌رود و رفتاری مغایر منشور ملل متحد؛ رفتاری در آستانه جنایت تجاوز/ crime of aggression به شمار می‌رود، رفتاری حاکی از ناکامی و شکست‌های نتانیاهو و رژیم صهیونیستی در عدم دستیابی به اهدافش پس از شکست بزرگ ۱۰ ماه پیش در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. از آنجا که این رژیم نمی‌تواند بحران‌های داخلی و بیرونی خود را حل کند یا گسسته‌تر کردن فضای درگیری در منطقه تلاش می‌کند بر ناکامی‌های خود سرپوش بگذارد. در روزهای گذشته کابینه جنگ رژیم صهیونیستی در هماهنگی با آمریکا این اقدامات را موصوب کرد؛ برنامه‌هایی که هرچند با واکنش‌هایی حتی از سوی حامیان غربی این رژیم مواجه شده و حتی برخی کشورهای غربی و شرقی که این روزها بارها به اسرائیل نسبت به افزایش سطح تنش هشدار داده و پیامدهای این آتش‌افروزی رژیم را مساله‌ای بسیار جدی برآورد کرده بودند اما به نظر می‌رسد با اقدامات هماهنگ و همزمان آمریکا در عراق در نهایت این رژیم صهیونیستی بود که همپیمانان